

## شب قدر به ریزه خواری اکتفا نکنیم

[ بخش اول / آیت الله جوادی آملی ]

جریان قدر و احیاء و گرامی داشت قرآن و بهره برداری از فضل لیلۃ القدر جزء دولت قرآن است. که این دولت ه موازه مورد درخواست ماست و از ذات اقدس إله مسئلت می کنیم، نَسْأَلُكَ ذُوْلَهُ كَرِيْمَةً تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ. و هنگام ظهور بقیه الله (أرواح من سواه فداه) این دولت تجلی می کند. بحث شب قدر بررسی عناصر محوری دولت قرآن است؛ که این چه دولت جهان شمولی است چه دولت فراگیری است که همه ذول و ملل را زیر پوشش خود می گیرد لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ(۱) / وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ مَانِدًا آن.

نموداری از دولت قرآن را ذات اقدس إله در دولت سلیمان و مُلک سلیمان ذکر کرد. فرمود: گوشه ای از دولت الهی را ما به سلیمان داده ایم، ولی به شما صدها برابر خواهیم داد. دولت سلیمان عُدُوْهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ(۲) بود. مُلک سلیمان بر این محور بود که آن حضرت بامداد راه یک ماهه می رفت. شامگاه راه یک ماهه می رفت. دولتی که بر باد مستقر باشد اینقدر قدرت دارد که مسافر خود را در یک و نیم روز به اندازه یک ماه راه ببرد. سالک خود را در پگاه یا شامگاه به اندازه یک ماه راه ببرد. اما دولت قرآن یک شبهه ره صد ساله می رود. این هزار ماه که در طی یک قرن در حدود هشتاد سال خلاصه می شود، دولت قرآن است.

### دارایی لیلۃ القدر

ادراک لیلۃ القدر کار آسانی نیست؛ فهمش آسان نیست چه رسد به حضور و ظهور و نیل اش. وَ مَا أَدْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ(۳) / خاصیت این دولت آن است که لیلۃ القدر خیر من ألف شهر(۴) / این که در این کریمه فرمود: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ(۵) / وَ مَا أَدْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، این تحلیلش را تشبیه کرده است. تحلیلش را تثقیل کرده است. فرمود: درک این معنا مشکل است، چه رسد به نیل این معنا. تو چه می دانی که دولت قرآن یک شبهه ره هشتاد ساله می رود!

اگر بزرگانی گفتند: هرچه دارند همه از دولت قرآن دارند و اگر همین بزرگان گفته اند: یک بیت از این قصیده به از صد رساله بود و اگر همین ها سروده اند، این طفل یک شبهه ره صدساله می رود، نشأت گرفته از همین دولت قرآن است. فرمود: درک این معنا مشکل است، چه رسد به داشتن این معنا!

از مناجات های لطیف و ظریف خواجه هروی این است که دارا شدن مهم است، نه دانا شدن! آن مناجات های لطیف خواجه انصاری را که می خوانید، می بینید به خدا عرض می کند که دانا شدن مهم نیست. اگر کسی زحمت بکشد، دانا بشود؛ فقیه بشود، حکیم بشود، ادیب بشود، متکلم بشود، محدث بشود، این دانای علم است و این مهم نیست. به دلیل این که صدها نفر در طول سال ها به حوزه ها و دانشگاه ها راه یافتند و دانا شدند. عمده دارا شدن است نه دانا شدن.

دانایی لیلۃ القدر خیر من ألف شهر دشوار است، چه رسد به دارایی اش. سخن از لیلۃ القدر خیر من ألف شهر است. این راه دشوار نیست. اگر دشوار بود ما را امر نمی کردند، دعوت نمی کردند. دشواری مال کسی است که کوله بار خود را بر دوش دارد. اگر بار خودبینی را به زمین بگذارد، سبک می شود. وقتی سبک شد، تَخَفُّوا تَلْحَقُوا(۶) / وجود مبارک رسول گرامی (علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) فرمود: نَجَى الْمُخَفُّونَ. آنها که سبک بالند نجات پیدا کرده اند.

همین معنای بلند نبوی را وجود مبارک علی بن ابیطالب (علیه أفضل صلوات المصلین) که این ایام متعلق به آن حضرت است، فرمود: تَحَقَّقُوا، تَلَحَّقُوا. سبک بار بشوید، پروازش آسان است! این پرکشیدن با سنگین بال و سنگین بار بودن ممکن نیست. کار جعفر طرار نیست که یک شبه ره صد ساله را طی کند. این کار جعفر طیار است. طراری را کنار گذاشتن و طیار شدن با مراسم احیاء هماهنگ است، و این شدنی است.

## فرصت را قدر بدان.

اگر قرآن به سر می گذاریم، هدف تنها این نباشد که خدا گناهان ما را بیمارزد، ما را به جهنم نبرد، ما را به بهشت ببرد. اینها ریخت و پاش سفره شب قدر است. وقتی یک دوستی سفره ای پهن می کند، مائده الهی و مَادِبَةُ الهی می چیند، مهمان های خود را به بهترین وجه پذیرایی می کند. وقتی مهمان ها برخاستند، سفره برچیده می شود، آن ریزه های سفره را می ریزند؛ مرغ ها آن ریزه های سفره را می چینند.

ریزه سفره شب قدر این است که کسی نسوزد، به جهنم نرود. اینها شب قدر نیست. شب قدر آن است که انسان طیار گونه دست هزارها نفر را بگیرد و به بهشت ببرد. در دنیا رفتار او، گفتار او، سیرت او، سریرت او، سنت او آموزنده باشد. هزارها نفر را زنده کند و در آخرت هم هزارها نفر را به همراه خود به بهشت ببرد. اگر ما بتوانیم در کنار سفره الهی و دولت قرآن بنشینیم، چرا در ته صفوف و صَفِّ النِّعَال قرار بگیریم به دنبال آن ریزه های سفره تکان ها باشیم که از سفره تکانده شده چیزی به ما برسد.

به ما گفتند: هر کسی به اندازه قدر خود شب قدر را درک می کند و قدر هر کسی هم به اندازه قدر همت اوست. اگر ما به اندازه همت مان دولت قرآن را و دولت قدر را می توانیم ادراک کنیم، چرا همت نطلبیم ما قبل از اینکه از خدا مظلوم بخواهیم، ظرف و ظرفیت هم طلب بکنیم. هرگز نمی توان گفت: چون ما ظرفیت مان اینقدر بود، خدا به ما اینقدر داد. این سخن نیمی از ثواب است، نه هر ثوابی و همه ثواب.

سخن صائب، ثواب، منزه از خطا، مبرای از اشتباه آن است که هم ظرف بخواهیم، هم مظلوم. آن یکی فیض اش گدا آرد پدید، این مال مصرع قبل است. و آن دگر بخشد گدایان را مزید، این طلیعه بیت دیگر است. این دو مصرع یک بیت نیست که شهرت یافته است. آن یکی فیض اش گدا آرد پدید، مربوط به بیت قبل است. و آن دگر بخشد گدایان را مزید طلیعه بیت بعد.

یعنی خدا دوتا فیض دارد: با یک فیض ظرفیت می دهد با فیض دیگر این ظرف را پُر از مظلوم می کند و به تعبیر اهل معرفت اگر هر فیضی به اندازه ظرفیت باشد که ما ابداع نخواهیم داشت. ما لیسَةُ تَامَّة را به کانه تَام نمی توانیم تبدیل بکنیم. این که خدا لیس تَام را کانه تَام می کند، یعنی از کتم عدم به وجود می آورد، نشانه آن است که داد او را قابلیت شرط نیست، بلکه شرط قابلیت، داد اوست. ما هم از خدا قابلیت طلب بکنیم، هم مقبول را بخواهیم. هم ظرف طلب بکنیم، هم مظلوم طلب بکنیم. این همت اگر در ما زنده شد؛ هرگز نمی گوئیم لیاقت ما همین مقدار بود. از ما خواستن و از ذات اقدس إله اجابت کردن!

بنابراین دولت قرآن دولتی است که لیلَةُ الْقَدْرِ خیر مِنْ أَلْفِ شَهْر است. ریزه های این سفره، ریخت و پاش این مائده همان است که کسی نسوزد، حوائج اش برطرف بشود، بیماران شفا پیدا کنند، دیون تادیه بشود، مشکلات معیشت و تورم و مسکن و ازدواج حل بشود. شب قدر یعنی شبی که خیر مِنْ أَلْفِ شَهْر. اگر و مَا أَدْرَاکَ مَا لیلَةُ الْقَدْرِ، اگر فهمیدن او مشکل است، پیدا کردن اش هم مشکل تر. منتها اگر کسی با مفهوم اُنس گرفت، درک این معانی برای او مشکل است. اگر کوله بار خودبینی و خودخواهی و

دنیا طلبی بر دوش او بسته است، طی این راه برای او مشکل است. اینها را که بگذارد کنار، هم فهمیدنش آسان است، هم پرکشیدنش.

منابع در روزنامه موجود است.